



## تحلیل روان شناسانه فیلم «ملی و راه های نرفته اش» با بررسی تک تک رفتارها و نقش ها

# ملی و راه های اشتباه رفته اش!



جواد غفوری نسب | کارشناس ارشد مشاوره خانواده

داستان فیلم «ملی و راه های نرفته اش» محصول تازه شبکه نمایش خانگی به این صورت است که «ملیحه»، دختر جوان و کم تجربه، عاشق جوانی به نام «سیامک» می شود و بر خلاف میل خانواده با او ازدواج می کند اما در زندگی مشترک اتفاقات تلخی برایش می افتد و در پایان ... اما سؤال

قبل از ازدواج

کلکسیون اشتباهات «ملی»



ملیحه که در این فیلم با نام «ملی» صدا زده می شود، نماد بعضی از دختران این جامعه است، دختری که خود را در گیر فرهنگ مردسالارانه ای می بیند که هم باید تحملش کند و هم باید به دنبال خواسته ها و آرزوهای خود در این فرهنگ غالب باشد. «ملی» تا دلیلم بیشتر مجاز نبوده درس بخواند و کلاس هنری مورد اعتماد پدر و برادرش هم خیاطی است، او آرزو دارد بتواند با ازدواج، خود را از این شرایط رها کند و همین دقیقاً نکته چالش ساز داستان «ملی» است. در این جانی توان گفت که آیا وجود این فرهنگ مردسالاری در جامعه درست است یا نه اما باید این نکته را مورد توجه قرار داد که محدود کردن یک دختر در نوجوانی و ابتدای جوانی به بهانه تربیت او در حالی که در درون خانواده هم از محبت و عواطف خالص چیزی برایش عرضه نشود، خطرناک است. یک نوجوان به خصوص یک دختر نوجوان، هر آن چه را از محبت، احساس و عواطف در خانه و در اعضای خانواده پیدا نکند، در بیرون از خانه جست و جوی می کند. «ملی» هم خسته از اجبارهای خانواده و سخت گیری های برادر و پدرش (البته بیشتر برادرش) به اولین ابراز احساسات از سمت یک مرد خارج از خانواده، پاسخ مثبت می دهد و در گیر یک رابطه عاطفی می شود. جالب ترین که می داند باید از طرف مقابل شناخت بیشتری به دست بیاورد اما آن قدر شیفته «سیامک» شده که راه تجزیه و تحلیل منطقی به رویش بسته شده است، اتفاقی که نتیجه طبیعی بیشتر ازدواج های خیابانی و آشنایی های بدون رعایت چارچوب های دینی است. به هر حال «ملی» با «سیامک» ازدواج می کند؛ ازدواجی بر پایه شیفتگی غیر منطقی و با هدف تغییر شرایط از بد به خوب. از سوی دیگر «سیامک» حتی در دوران آشنایی هم رفتارهای بدبینانه و سلطه طلبانه ای از خود نشان می دهد. هر فردی که از بیرون به این ماجرا نگاه می کند، متوجه شباهت های رفتاری بین مراد (برادر «ملی») و «سیامک» می شود اما چون «سیامک» ابراز احساسات می کند و از عشق و دوست داشتن صحبت می کند، در ذهن «ملی» نسبت به مراد و حتی پدرش برتری می یابد و آن قدر مشتاق می شود که حتی تشخیص صحیح پدرش مبنی بر مناسب نبودن «سیامک» برای ازدواج را نمی پذیرد.

کلکسیون اشتباهات سیامک



رفتارهای «سیامک» محصول تجارب و خاطرات تلخ دوران کودکی اش است که از رفتارهای پدرش در خانواده به ارث برده است. «سیامک» با کوهی از مشکلات درونی و تعارضات، تصمیم به ازدواج می گیرد. هم عاشق «ملی» است و هم می خواهد او را تحت سلطه خودش داشته باشد. او هم به امید تغییر است اما تغییر

بعد از ازدواج

راهنمایی گرفتن از فردی نامناسب

آن چه که در زندگی مشترک «ملی» و «سیامک» دیده می شود، رفتارهای محدودکننده سیامک، تنش های شدید، کتک زدن های «سیامک» و بی توجهی خانواده های «ملی» و «سیامک» به این اتفاقات است. البته اشتباهات راهبردی «ملی» را نیز باید به ماجرا اضافه کرد. کسب راهنمایی اشتباه از سوی نیره (خواهر سیامک) در سکانس پس از اولین کتک خوردنش، یکی از اشتباهات راهبردی «ملی» بود که باعث شد تنش های زندگی زناشویی اش تداوم داشته باشد. نیره در زندگی خودش مشکلات زیادی دارد که باعث شده دست به خیانت بزند. همراهی «ملی» با نیره (حتی با وجودی که سعی دارد او را نصیحت کند) اشتباه بزرگ دیگر «ملی» بود که در سکانس های پایانی مشکلات را به سر حد خطر آفرینی نزدیک کرد.

تنها اقدام درست «ملی»

می توان گفت تنها اقدام درست «ملی»، تماس با خانه امن بود که مشاور آن مرکز (آقای رئیس) توانست واقعیت های موجود را به او نشان دهد. از نظر من، نقطه عطف ماجرا آن جابو که «ملی» تمام ناگفته های خودش را در این چند سال که به هیچ فردی نتوانسته بود بگوید با مشاورش در میان گذاشت؛ همچونی از ترس، امید، خوشحالی و غم.

قدرت تحلیل نداشتن والدین «ملی»

و اما خانواده «ملی»، خانواده ای که دختر کتک



مهم این است که چرا برخی افراد در مهم ترین انتخاب زندگی خود به گونه ای عمل می کنند که در نهایت همه چیز را از دست می دهند. با نگاهی به نقش ها و رفتارها در این فیلم قصد داریم که زمینه های بروز یک ازدواج اشتباه و همچنین دلایلی را که به بیشتر شدن آسیب های این ازدواج دامن می زند در دو بخش قبل و بعد از ازدواج بررسی کنیم.

خودش، این هم یکی از اشتباهات افراد در ازدواج است که «سیامک» دچار آن شد؛ ازدواج به امید تغییر خود یا طرف مقابل. این اصل را تمام صاحب نظران در حوزه خانواده و ازدواج قبول دارند که در ازدواج نباید به دنبال تغییر بود. ازدواج معبری برای تغییر نیست.

کلکسیون اشتباهات خانواده «ملی»



شناخت ویژگی های خانواده «ملی» خیلی سخت نیست. پدری که سعی دارد نمونه باشد برادر (مراد) که سعی دارد مرد پودنش را با غیرت روی خواهرش نشان دهد. برادر کوچک تر (محمود) تیپ کاملاً متفاوتی با خواسته های پدر و مادر دارد و تا حدی هم عصبی جدا افتاده خانواده است. مادری که بزرگ ترین دغدغه اش پیگیری سریال ماهواره ای است. در چنین خانواده ای تعجبی ندارد که «ملی» عواطف نداشته اش را در «سیامک» پیدا کند. از دیدم آن آغاز اشتباهات این خانواده آن جایی است که پدر به فرزند ارشد خانواده (مراد) اجازه عرض اندام داده است. از دیدگاه سیستمی، وظیفه تربیت فرزندان و حراست از آن ها به عهده والدین است و نه اعضای دیگر خانواده. مراد در خصوص نگران بودن برای خواهرش کاری را انجام می دهد که باید پدر و مادر انجام دهند اما پدر فقط می تواند شرایط را کنترل کند که بدتر نشود. اشتباه دیگر خانواده «ملی» در نوع رضایت آن ها برای ازدواج «ملی» با «سیامک» است. حتی اگر احساس خطر کرده اند و ترس از اتفاقات بدی دارند، باز هم نوع رضایت آن ها برای ازدواج اشتباه بود. حتی تهدید به این که دیگر نمی تواند روی آن ها حساب کند، به نوعی فرار از مسئولیتی است که در قبال ازدواج دخترشان دارند. شاید مطلوب ترین راهکار این بود که با راهنمایی گرفتن از یک مشاور خانواده و ازدواج، به فرزندشان کمک کنند راه صحیح را انتخاب کند.

کلکسیون اشتباهات خانواده سیامک



خیلی راحت می توان از تعارضات و مشکلات درونی خانواده «سیامک» حدس زد که چرا این ازدواج، اشتباه است. پدری که زمانی قدرت مطلق خانواده بوده و حالا به دلیل مشکلات جسمانی زمینگیر شده و دیگر آن جایگاه سابق را ندارد. مادری که به واقع رفتارهای بیمارگونه ای دارد که حاصل تنش های ابتدای ازدواجش است. خواهری که آن قدر مشکلات زندگی مشترکش غرق شده که وارد یک رابطه فرزنشویی شده و «سیامک» هم با تنش هایی که در بخش قبل ذکر شد. در واقع آن قدر ارتباطات این خانواده و رفتارهای اعضای آن ها مشکل دارد که خانواده «ملی» در جلسه خواستگاری کاملاً متوجه ماجرا شدند و مخالفت کردند.

خونده خود را مجبور به رضایت از شوهر در زندان می کنند تنها به این بهانه که پسر ارشدشان در شرف ازدواج است و نگران آبرویشان هستند. این فقط نشان دهنده این است که این خانواده و به خصوص مادر و پدر، قدرت تحلیل شرایط را ندارند و در اولویت های خود دچار مشکل شده اند. البته که نمی توان انتظار داشت خانواده هایی که چنین شرایطی را تجربه می کنند سریع دست به کار شوند و مقدمات جدایی دخترشان را فراهم کنند اما جست و جوی راهکارهای عملیاتی و منطقی، مسئولیت حتمی و شماره یک والدین در چنین شرایطی است.



واکنش روز

## چرا از صحنه خودکشی فیلم می گیرید؟



دکتر پرستو امیری | روان شناس سلامت

انتشار کلیپی از خودکشی یک دختر نوجوان در شبکه های اجتماعی که افراد زیادی اعم از مرد و زن، پیر و جوان، کودک و نوجوان در حال تماشای صحنه خودکشی و فیلم برداری از آن هستند، با واکنش هایی رو به رو شده است. این اولین کلیپی نبود که از این ماجراها منتشر شده است، شاید آخری هم نباشد اما آن چه مشهود است اطلاع نداشتن افراد جامعه از آثار به شدت مخرب و آسیب زنده انتشار این قبیل اخبار و ویدئوهاست.

اختلالی که واگیردار است!

خودکشی یک بحران است اما متأسفانه بر خود افراد جامعه ما با این مسئله، خود نیز به یک بحران تبدیل شده است. شواهد، تحقیقات و تجربیات متعددی در گذشته نشان داده است که به دنبال انتشار نامتناسب اخبار مربوط به خودکشی، آمار خودکشی یا روش های مشابه افزایش قابل تاملی یافته است. در واقع و از لحاظ روان شناسی، خودکشی به نوعی یک اختلال واگیردار محسوب می شود.

کودک و نوجوان را سریع از محل دور کنید

ما به عنوان افراد جامعه در قبال خودمان، خانواده های مان، کودکان و به طور کلی دیگر افراد جامعه مسئول هستیم و باید مسئولیت رفتارهای خودمان را بپذیریم و روش های درست مقابله با بحران خودکشی را یاد بگیریم. اگر در صحنه خودکشی حضور دارید، آرام باشید و خونسردی خود را حفظ کنید. با پلیس، آتش نشانی و اورژانس تماس بگیرید. بلافاصله کودکان و نوجوانان را از صحنه دور کنید و کودکان و نوجوانان توانایی های ذهنی و فکری محدودی دارند و نمی توانند پدیده خودکشی را هضم کنند. کودکان ممکن است بدون توجه به خطرات این کار، به عنوان یک بازی هیجان انگیز، دست به تقلید از رفتار خودکشی بزنند. دین مرگ یک انسان می تواند تا آخر عمر آثار به شدت مخربی بر روان کودکان بگذارد. ممکن است کودکان و به خصوص نوجوانان با مشاهده خودکشی دیگران و شنیدن حرف های مردم مانند: «بین مشکلات زندگی چه بالایی سر جوان ها آورده»، «بیچاره چقدر سختی کشیده که از زندگی سیر شده!» و جملاتی از این دست، یاد بگیرند که خودکشی می تواند یک راه مقابله با مشکلات زندگی باشد و افراد هنگام برخورد با مشکلات و ناامیدی از حل آن ها، باید به خودکشی دست بزنند. ممکن است نوجوانان تحت تاثیر هیجان آن لحظه و واکنش های افراد حاضر در صحنه قرار بگیرند و بنا به اقتضای رشدشان بخواهند آن ها نیز در صحنه ای مشابه مرکز توجه قرار گیرند و آن کار را تکرار کنند.

آثار فیلم برداری از چنین صحنه های

فیلم برداری نکنید. یک لحظه به این فکر کنید که چه



## به تازگی فهمیدم که فرزند خانواده ام نیستم

خانمی ۲۵ ساله هستم دارای دو فرزند. در خانواده ای بزرگ شدم که به تازگی فهمیدم خانواده خودم نیست از طریق رفتارها و گفته های دیگران و ... چندی پیش با آن ها این مسئله را در میان گذاشتم ولی به روی خود نیاوردم. گفتم که آزمایش دهیم، از آن هم پرهیز کردند. چه کار کنم؟



مختلف آن ها مانند از دست دادن فرزند خوانده، رفتارهای ناسازگارانه او، همراهی نکردن، بی علاقگی، نداشتن وابستگی، لجبازی، به هم خوردن رابطه با اصرار فرزند به جست و جوی والدین اصلی و آشفتگی خانواده مانع از این به موقع این مطلب به فرد می شود. بنابراین سعی کنید والدین خود را درک کنید و از سرزنش آن ها پرهیزید. به آن ها در زمان درخواست برای بازگو کردن این حقیقت، اطمینان خاطر دهید که آن ها به پاس سال ها مراقبت از شما و ایفای نقش والدینی، همچنان مورد علاقه شما هستند و رهاشان نمی کنید. بعد از دادن این اطمینان، از آن ها بخواهید که بیشتر درباره این مسئله برای تان صحبت کنند.

شوکر روانی تان طبیعی است

با افکار منفی خود مقابله کنید. گاهی برخی افراد پس از آگاهی از این حقیقت، دچار افسردگی می شوند و شروع به تمرکز روی اختلافات و تنش هایی که قبلاً در خانواده داشتند، می کنند و علت آن را نداشتن پدر و مادر واقعی در زندگی می دانند حال آن که این یک برداشت غیر واقعی از این مسئله است. به طور قطع همه فرزندان واقعی هم به وفور از این دست مشکلات داشته اند. همچنین ممکن است دچار احساس سرخوردگی شوید و خود را یک موجود بدبخت و غیر دوست داشتنی تلقی کنید که این مسئله برایش رقم خورده است. وجود چنین افکار و احساساتی بعد از این شوکر روانی طبیعی است و بی شمار انسان هایی که شرایطی مشابه شما را دارند با چنین دورانی مواجه بوده اند و پس از مدتی با این حقیقت کنار آمده اند. در پایان و با توجه به همه موارد مطرح شده، در فرصت هایی مناسب با پدر یا مادر یا حتی دیگر اعضای خانواده یا بزرگ فامیل که در این باره اطلاعاتی دارند، بخواهید که درباره این موضوع بیشتر برای تان توضیح دهند. گذشت کمی زمان، واکنش های اطرافیان تان به پرس و جوهای شما درباره والدین واقعی تان را تغییر خواهد داد و به شما بیشتر کمک خواهد کرد.

اطمینان دادن برای علاقه مندی به والدین

بهترین زمان برای بازگو کردن این حقیقت که ما والدین حقیقی فرزندان نیستیم، سنین قبل از بلوغ است تا زودتر فرد بتواند با موضوع فرزند خواندگی سازگار شود اما بسیاری از والدین این موضوع را نمی دانند یا ترس های



زندگی سالم  
یک شنبه  
۱۳۹۷ بهمن  
شماره ۱۰۴۰

خانواده مشاوره